



حد کیفیت در اشیاء

هفته پیش گفتیم که مؤثر و جهت مؤثر، اگر بخواهد برای حواس ظاهری ماضهور داشته باشد، باید به حدودی که جهت نفس (اثر) دارای آن است ظاهر شده و به آنها محدود شود، چرا که حواس ما تنها چیزی را درک میکند که دارای حدود (وقت، مکان، جهت، رتبه، کمیت و کیفیت) باشد، و جهت رب بخاطر آنکه مثال مؤثر احد است، فاقد این هاست.

حال بخاطر بحث رنگ شناسی که داریم، به سایر حدود مذکور کاری نداشته و صرفاً به حد کیفیت اشیاء که مربوط به بحث جاری است می پردازیم.

اما تمامی اشیاء از جهت کیفیت در اول به چهار کیفیت (آتش، هوا، آب و خاک) تقسیم شده که از هرکدام کیفیتی ایجاد و استخراج میشود.

از کیفیت آتش، نور ایجاد میشود، چرا که ظهور رب بوده و به عالی ترین کیفیات تعلق میگیرد.

از کیفیت هوا، صوت ایجاد میشود، که امری بدیهی بوده و نیاز به توضیح نیست.

از کیفیت آب، بو و عطر ایجاد میشود، و این نیز کاملاً محسوس است که بو تنها با داشتن رطوبت شیء ایجاد و خارج میشود.

از کیفیت خاک، طعم ایجاد میشود. و طعمی نیست مگر در اجزاء خاکی لطیف حل شده در آب، و سایر عناصر بدون طعم می باشند.

سایر کیفیات که با لامسه حس میشوند مانند (سردی، گرمی، زبری، نرمی، تری، خشکی، حرکت، سکون، سفتی، شلی و غیره...) همه از ترکیب آتش، هوا، آب و خاک ایجاد میشوند و مختص یکی از آنها نیستند.

نکته دیگر اینکه هر کدام از کیفیاتی که ذکر کردیم، برای درک شدن توسط بدن خاکی ما لازم است به خودشان یا به غیر خودشان (که [قبلا توضیح داده ایم](#)) غلیظ یا کثیف شوند، تا هر عضوی که مناسب آن کیفیت و طبع است بتواند آن را درک کند.

بعنوان مثال چشم، نورهای لطیف را درک نمیکند مگر بعد از غلیظ شدن (مانند ستارگان اجرام علوی) و همچنین سایر عناصر درک نمیشوند مگر بعد از غلیظ شدن توسط خودشان یا کثافت خاک.